

واردات مدیر



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

چند روز پیش که در حال تهیه متن باکس تاریخ روزانه روزنامه بودم، به مورد جالبی برخوردیم: ۹ اردیبهشتماه ۱۳۰۷ پیشنهاد استخدام آندره گدار، باستان شناس و معمار فرانسوی به عنوان مدیرکل آثار باستانی، کتابخانه و موزه اشیای عتیقه، به تصویب مجلس شورای ملی رسید. بعد دیدم که آقای گدار ۳۲ سال در ایران اقامت داشته و منشأ خدمانی عمده به این مملکت شده است. از باب مشت نمونه خروار، معماری دانشگاه تهران و حافظیه شیراز و آرامگاه فردوسی توس و ساختمان سه گوش اهواز را مدیون جناب گدار هستیم. حسین پیرنیا در مقام رئیس مجلس، پای این مصوبه را با عنوان «قانون اجازه استخدام یک نفر متخصص فرانسوی برای مدیریت موزه و کتابخانه و عتیقات» امضا کرده و بعدتر تمدید این مأموریت تا مجلس نوزدهم (۱۳۳۷) ادامه پیدا کرده است. ذکر خدمات شایان توجه جناب گدار بماند برای وقتی دیگر. آنچه برای من خیلی تعجب برانگیز می نماید، گشودگی ذهنی و روانی و کلای مجلس در انتخاب «یک نفر متخصص فرانسوی» و پذیرش مردم بوده است. اگر امروز زبانم لال کسی بگوید آقایان برای حل مشکلات کشور بد نیست چند نفر متخصص از اقصی نقاط جهان دعوت کنیم و کار را به کاردارن بسپاریم، بعید نیست گوینده را به رگبار ده ها صفت ناشایست و ناسزا ببینند و از بیگانه پرستی، غرب زدگی و ضدیت با اسلام و مسلمین داد سخن سر دهند. بینی و بین الله ولی بد نیست به این گزینه هم گاهی فکر کنیم.

سال هاست برخی می گویند مشکل وضعیت فعلی از نظام سیاسی و قانون اساسی نیست و بنابراین ضرورتی ندارد به فکر تغییر ساختاری باشیم، بلکه مشکل در «مدیریت» ناپلدهاست. حتی در این سال ها که بحث «تأثیر تحریم» پررنگ تر شده، باز عده ای مدعی شدند انداختن مشکل به گردن تحریم، فرافکنی است و نقص اساسی را باید در «سومدیریت» جست. معدودی هم البته پای «بی غیرتی» را وسط کشیدند که البته زمانه پاسخشان را داد. بسیار خوب، فرض بگیریم ماجرا همین است که تقریر شد و ما در ایران مشکل کمبود مدیر داریم و چند مدیر درست و حسابی هم که داشتیم، سر دعوای جناحی به دست خودمان سوزاندیم و بر پای شان دام نهادیم. اگر اینگونه است و تغییر دولت ها هم تغییری در وضعیت ایجاد نمی کند، پس لابد باید همانطور که وقتی از در مان سرطانی عاجز می مانیم، راهی بلاد خار چه می شویم، هنگامی که برای نمونه اقتصادمان را هم نمی توانیم به درستی سامان بدهیم و رفاه و رشد به بار آوریم، یا به افکار و تجربه های دیگران مراجعه کنیم یا به خودشان. همین گرجستان بغل دست خودمان به همت نیکوگیا لوری موفق شد مسئله فساد را مرتفع کند. در اختیار من بود، فردا هیئت زرد ایشان می فرستادم و تلاش می کردم او را راضی کنم سری به ما بزند. راه دور نرویم، ۱۸ اردیبهشت ماه سال پیش کمال درویش درگذشت. که بود؟ ناجی اقتصاد ترکیه در دهه ۱۹۹۰، دکترای اقتصاد از دانشگاه پرینستون با سابقه ۲۲ سال کار در بانک جهانی. بولنت اجویت او را به ترکیه دعوت کرد و اختیارات داد و شد آنچه مدت ها ترک هادر انتظارش بودند.

اوایل انقلاب مهندس بازرگان از تقدم تخصص بر تعهد سخن می گفت. سخن حقی بود. اصل در «حکمرانی خوب»، تخصص است، اگر هموطن خودمان بود، فی الحال امراد. نبود و نداشتیم، نمی شود که به زمین گفت فعلاً لطفاً نچرخ، باید رفت سراغش. حتی تا چنین زمان پیامبر؛ تو بگو تا کره ماه، بنده ای تبت که نیستیم، مسلمان بود بهتر. ایرانی بود خیلی بهتر. پیش ترها سیدجمال الدین می گفت: «به غرب رفتن اسلام دیدم ولی مسلمان ندیدم و به مشرق برگشتم اسلام ندیدم، ولی مسلمان دیدم.» شعر معروفی هم هست که می گوید: «اسلام به ذات خود ندارد عیبی / هر عیب که هست از مسلمانی ماست!» اسلام سیاسی یک ادعای اساسی داشت و آن اینکه راه حل حکمرانی در «اسلام» است. اگر مسلمانان ایران از حل مشکلی عاجزند، چرا «اسلام» را باندن کنیم؟ شاید از «غروب غرب» بگویید، بسیار خوب، زاین چه؟ شاید کسی بحث دیانت مدیران وارداتی را وسط بکشد. مالزی را هم نمی شناسیم؟ حضرت علی (ع) در نامه به مالک اشتر نوشت: «مردم دو دسته اند؛ یا برادر دینی تو هستند، یا هموع تو». پس بیشتر روی خروجی های سیستم حکمرانی مان سختگیر باشیم، نه روی ورودی ها. کار را باید به کاردارن سپرد و مهمتر از واردات ماشین و موایل، واردات مدیران خوشفکر آزمون پس داده دنیا دیده است. دست بچینیانیم که تاریخ و توسعه معطل کسی نمی شود.

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

۲۴ ساعت
24 HOURS

۱۶

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۴۰۹ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: همیمن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



مستعد و مردد

گزارشی درباره آخرین مرحله انتخابی مسابقات جهانی مهارت که با حمایت آروان کلاد برگزار شد



ندا زنگینه

خبرنگار

آخرین مرحله انتخابی مسابقات جهانی مهارت (World Skills) ۱۲ اردیبهشت ماه با حمایت آروان کلاد برگزار شد. شرکت کنندگان این مسابقه که همه زیر ۲۲ سال هستند، از شهرستان های مختلف به تهران آمده اند تا به امید حضور در مسابقه جهانی آخرین مرحله آزمون را سپری کنند. در یکی از اتاق های شیشه ای آروان ۳ نفر از شرکت کنندگان پشت سیستم های خود مشغول آزمون هستند. سعی می کنیم آرام باشم که تمرکشان بهم نخورد اما با چنان اطمینانی دگمه های کیبورد را فشار می دهم و به صفحه مانیتور خیره هستم که گويا در جهان دیگری سیر می کنند. پس از تمام شدن آزمون یک نفر از آن ها نفس عمیقی می کشد و از روی صندلی بلند می شود. از او می پرسیم چطور بود؟ می گوید «سخت اما خوب بود». با لیخندی رب لب می روند تا چیزی بخورند و حال دیگر زمان انتظار است تا هفته آینده که فرد برگزیده برای رفتن به فرانسه معرفی شود. هوای تهران سرد و بارانی است اما بچه های آروان با شور و اشتیاق یک گوشه دور هم جمع شده، روی زمین نشسته و مشغول صحبت هستند. نمی دانم موضوع بحثشان چیست اما حتما هر کدام از آن ها رویای مدال جهانی و حضور در فرانسه را در سر دارند. «یک روز دیدم یکی از همین بچه ها که سن کمی هم داشت مصاحبه کسی را می خواند که در دوره قبلی مدال کسب کرده است. او می خواست یاد بگیرد که اگر خودش هم مدال آورد چگونه با رسانه ها مصاحبه کند»؛ این روایت جالبی بود که یکی از عوامل و همراهمان برگزاری مسابقات در ایران برامان تعریف کرد. دغدغه آینده، امید به پیشرفت و مهم تر از همه چالش های اقتصادی همه از جمله عواملی بودند که مدیران رشته ها را نگران کرده بود. نگران اینکه زمانی این بچه های مستعد را که ماه هاست دور از خانواده برای مسابقه آماده می شوند، ناگزیر به مهاجرت کند. در این گزارش با مدیران رشته ها و ۲ نفر از شرکت کنندگان گفت و گو کردیم و آن ها از تجربیات و دغدغه های شان برامان گفتند.

تأمین بودجه مهم ترین چالش

سازمان فنی و حرفه ای متولی مستقیم مدیریت این مسابقات در ایران است اما سازمان جهانی مهارت به این نتیجه رسیده است که برای برگزاری این رویداد با این وسعت و مطابق با استانداردهای روز دنیا باید از ظرفیت های بخش خصوصی و صنایع مرتبط بهره گرفت. به همین دلیل تمام مسابقات سازمانی جهانی مهارت، اسپانسر محور است. در این راستا به دلیل کم توجهی بخش دولتی در زمینه تأمین بودجه و امکانات لازم، شرکت های خصوصی وارد حوزه حمایت و منتورینگ شدند. آروان کلاد هم از سال ۹۸ حمایت مالی خود را در بخش IT آغاز کرد، البته پیش از آن نیز به صورت منتورینگ مسئولیت اجتماعی همراه بچه ها بوده است. با تمام این شرایط طی کردن چنین روندی در ایران با چالش های مختلفی مواجه است. یکی از منتهای این دوره از مسابقات در این باره به هم میهن می گوید: احتمالاً بزرگترین چالش برگزاری اینگونه رویدادها در ایران تأمین بودجه برای شرکت کنندگان است. بچه ها مخصوصاً در رشته IT نیاز به حمایت های مالی زیادی دارند زیرا برای کارشان به تجهیزات و سیستم های حرفه ای نیاز دارند. اما عموماً از وسایل ولت باب های شخصی خودشان استفاده می کنند و چون از شهرتشان نمی آیند خیلی تجهیزات کاملی ندارند. سازمان فنی و حرفه ای بیشتر بخش مدیریتی مسابقات را برعهده دارد. مسائلی مانند محل کمپ، اقامت بچه ها، منابع، منتورینگ و... در تهران نیز برعهده بخش خصوصی است. بخش های دولتی بیشتر در حوزه مدیریت مسابقات و محل برگزاری مسابقات مله فعالیت دارند، اما تمرکز روی آماده سازی بچه های برای اعزام به مسابقات برعهده بخش خصوصی است. حامد کارگرزاده، مدیر رشته

نگاه روزنامه نگار

در باره ی استاد امام جمعه مشهد به شاهنامه

نگر تا نباشی به جز دادگر



علی اصغر سیدآبادی

نویسنده و روزنامه نگار

چند سال پیش که شهرداری مشهد ذوقی به خرج داده بود و تصویرهایی از شاهنامه در دیوار شهر را آراسته بودند، دستور به زدودن این تصویرها داده شد، گویی که بین این تصویرها و آن چه مشهد به آن شهره است، تقابلی وجود دارد. چندین دهه به دلیل همین تصور، توسعه و رسیدگی به آرامگاه فردوسی که یکی از بزرگترین شاعران و حکیمان ایران است، متوقف بود تا اینکه از مقامات بالاتر حکم به آبادانی آرامگاه فردوسی داده شد. مقامات استانی و از جمله امام جمعه شال و کلاه کردند و به آرامگاه فردوسی رفتند. اگر اسم این مقامات و فردوسی را کنار هم در موتورهای جست و جوگر بنویسد و نتایج را هر چه بالا و پایین کنی، همان چند عکس را خواهید دید. با چنین پیشینه ای است که سخنان آیت الله علم الهدی و استنادش به شاهنامه برای دفاع از اجبار در پوشش با واکنش های بسیاری روبرو شده است.

علم الهدی گفته است: مسئله حجاب نیز یکی از همین هویت های دینی و ملی است. اصلاً حجاب متعلق به فرهنگ ایران است. حتی آن زمان که هنوز اسلام وارد ایران نشده بود، حجاب فرهنگ ایرانیان بود؛ به خصوص در تاریخ ایران باستان و انعکاس این فرهنگ را می توان در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی دید. او هم چنین به عنوان نمونه بیتی از شاهنامه خوانده است که منبزه خطاب به بیژره گفته است: منبزه منم دخت افراسیاب ابرهنه ندیده تنم آفتاب

این سخن که زنان ایرانی براساس آن چه به ما رسیده، پوششی برای موی سر داشته اند یا چیزی شبیه چادر حتی، نادرست نیست، حتی این سخن که در شاهنامه ی فردوسی پاکدامنی و شرم از ویژگی های مثبت زنان و البته مردان شمرده می شود، هم به راه نیست، هر چند تعریف پاکدامنی در نگاه حکیم توس و امام جمعه مشهد متفاوت است، اما بیتی که آقای علم الهدی به آن ارجاع داده، ربطی به زنان ایران ندارد. افراسیاب شاه توران است و منبزه دختری تورانی است نه ایرانی. این به خودی خود ایرادی در استدلال امام جمعه به حساب نمی آید و می تواند بگوید که حکیم خصلت نیکو را حتی در دشمن ستوده است. ماجرا از اینجا جاب می شود که بدانیم این بیت را منبزه کی خوانده است و اصلاً ارتباطی به پوشش سر دارد یا نه؟

منبزه دل بسته ی بیژن شاهزاده ی ایرانی می شود و به زبان امروزی - او را چیز خور کرده بی هوش به شبستان خود می آورد و همه ی این اتفاقات بدون اجازه ی والدین و بدون پیمان زناشویی - که از قضا در ایران باستان هم مرسوم بوده - رخ می دهد. بیژن در قصر او به هوش می آید و باقی قضایا و منبزه در چنین لحظات احساسی درباره ی اهمیت چیزی که به بیژن عرضه می کند این بیت را به زبان می آورد که تا به حال چنین بوده، اما بعدش را می توان در شاهنامه خواند.

البته اگر مشاوران امام جمعه با شاهنامه به از این بودند که هستند، بیت هایی می توانستند پیدا کنند که به کارشان بیاید، مثلاً آنجا که شبرین می گوید: به سه چیز باشد زنان را بهی / که باشند زیبای گاه مهی / یکی آنک با شرم و با خواسته است / که جفتش بدو خانه آراسته است / دگر آن که فرخ پسر زابد او / ز شوی خجسته بیافزاید او / سه دیگر که بالا و رویش بود / به پوشیدگی نیز مویش بود

این ابیات به روشنی از پوشیدگی مویها می گوید، در حالی که در بیت استنادی امام جمعه ی مشهد، تفاوت برهنگی و نداشتن پوشش سر نادیده گرفته است. این مغالطه در سخنان بسیاری دیگر از مقامات هم دیده می شود. نداشتن پوشش سر با برهنگی هم معنا نیست. با این حال هم چنان که در بیت انتخابی امام جمعه مشهد و این ابیات می بینیم هیچ کدام توصیه ی فردوسی نیست و سخنان شخصیت های شاهنامه است. شاهنامه مثل هر متن کهن ادبی در کنار ارزش های ادبی و زیباشناختی و روانی خود، مجموعه ای از ارزش های اخلاقی و اجتماعی زمانه ی خود را منتقل می کند که به ندایی دیگر تعلق دارند، چنان که در همین بیت های بالا پسرزابد بودن جزو ارزش هایی شمرده شده است.

در شاهنامه زنان برجسته ای نقش آفرینی کرده اند که الگوی زن مطلوب امام جمعه مشهد نمی توان باشند. برخی از زنان برجسته ی شاهنامه مثل منبزه در طلب معشوق در انتظار خواستاری و خواستگاری او نمانده اند و از جمله ی آنان تهیمنه است مادر سهراب که در شاهنامه زنی ستوده است و تنها یک شب هم خواب رستم بوده است. رودابه مادر رستم نیز در راه دادن زال به قصرش از موی خویش کمندی یافته و انداخته و بعد هم که ماجرا در شاهنامه روشن است. در این میان داستان گردآفرید اگر چه متفاوت است، اما در کنشگری از روابط خصوصی پیش تر رفته و اگر روی موی پوشیده به این خاطر است که شناخته نشود و آنجا که روی موی گشاده به قصد فریب دشمن است: رها شد؛ بند زره موی اوی / در افشان چو خورشید شد روی اوی / بدانست سهراب کو دختر است / سر موی او از در و افسر است درست است که فکر می کنیم شاهنامه ارزش های جهانی دیگر را منتقل می کند و چنین استناداتی به آن راه به جایی نمی برد، اما به نظرم از قضا در شاهنامه برای صاحبان مقام و قدرت توصیه هایی شایسته تر می توان یافت، مضمون هایی که بارها تکرار شده است. یکی از این مضمون ها دادگری است. دادگر در شاهنامه هم صفت خداوند است که جای نام نشسته است و هم وظیفه ی صاحب قدرت، فردوسی می گوید، پادشاهی که دادگر باشد، نیازی به فریادرس ندارد. کجا پادشا دادگر بود و بس / نیازش نیاید به فریادرس